



عربستان و گذر از سنت محافظه کاری

دگرگونی های شتابان ماه های اخیر در ساختار قدرت و سیاست های عربستان سعودی را می توان برخلاف روش محافظه کارانه حاکم بر این کشور در سال های گذشته دانست؛ مساله یی که می تواند برای این کشور در فضای پیچیده داخلی و منطقه یی آسیب زا باشد.

دگرگونی های شتابان ماه های اخیر در ساختار قدرت و سیاست های عربستان سعودی را می توان برخلاف روش محافظه کارانه حاکم بر این کشور در سال های گذشته دانست؛ مساله یی که می تواند برای این کشور در فضای پیچیده داخلی و منطقه یی آسیب زا باشد. ساختار سیاسی در عربستان پس از مرگ «عبدالله بن عبدالعزيز» و آغاز دوره ی پادشاهی برادرش «ملک سلمان» تاکنون تغییرهایی قابل توجه به خود دیده که در تاریخ سیاسی آل سعود بی سابقه است. افزون بر ماهیت تحولات یادشده، سرعت آن نیز حیرت بسیاری از ناظران را برانگیخته است.

اگر نگاهی به جابجایی ها و انتصاب های اخیر ملک سلمان بیندازیم اهمیت مساله بیشتر مشخص می شود. در این میان، برکناری «مقرن بن عبدالعزيز» از جانشینی (ولایتعهدی) و کنارگذاشتن «سعود الفیصل» از پست وزارت امور خارجه از مهمترین این جابجایی ها بود. به باور برخی، مهم تر از این برکناری ها، انتصاب چهره های جایگزین بود که می تواند عمق دگرگونی ها را آشکارتر سازد به این ترتیب که «محمد بن نایف بن عبدالعزيز» به عنوان ولیعهد و «محمد بن سلمان بن عبدالعزيز» فرزند پادشاه تازه به تخت نشسته، به عنوان نایب ولیعهد انتخاب شد. به عبارتی، یک غیرسرداری از ولایتعهدی کنار گذاشته شد و جانشینی پادشاه و مقام نایب ولیعهد نیز به سدیری ها رسید.

این در حالی است که در خاندان سعودی همواره یک رقابت پنهان بین جناح سدیری به عنوان بزرگ ترین گروه فرزندان نخستین پادشاه عربستان با دیگر فرزندان به ویژه جناح «شمیری» وجود داشته و برای جلوگیری از تبدیل این رقابت پنهان به جنگ قدرت آشکار، تلاش بر این بوده اگر پادشاهی به سدیری ها سپرده شود، جانشین وی یک غیرسرداری باشد و برعکس.

غیرسرداری دیگری که از ساختار قدرت آل سعود کنار گذاشته سعود الفیصل بود که پس از چهار دهه جای خود را به «عادل الجبیر» سفیر پیشین عربستان در آمریکا به عنوان یک فرد خارج از خاندان سعودی داد.

جدا از دلیل های این جابجایی ها و انتصاب ها در آل سعود، آنچه اهمیت دارد پیامدهای داخلی و منطقه یی این دگرگونی ها است. این پیامدها نه تنها می تواند ثبات ساختار سیاسی عربستان را متاثر سازد بلکه با تقویت جناح تندرو و جنگ طلب در این ساختار، وضعیت بی ثبات خاورمیانه را پیچیده تر خواهد ساخت.

به همین دلیل در این نوشتار نگاهی کوتاه و گذرا به پیامدهای داخلی و منطقه یی جابجایی های اخیر خواهیم داشت:

**پیامدهای داخلی

همانگونه که گفته شد، رخدادهای هفته های گذشته نوعی سنت شکنی در خاندان سعودی به شمار می آید. بر کسی پوشیده نیست یکی از دلیل های بنیادینی که آل سعود توانسته انسجام درونی خود را حفظ کند و قدرت را در عربستان در اختیار داشته باشد، حفاظت از سنت های قبیله یی و تاریخی این خاندان است. «ملک عبدالعزيز» بنیانگذار پادشاهی عربستان به عنوان راهکاری در جهت جلوگیری از جنگ قدرت درون خاندانی، در وصیتی تاریخی شیوه ی انتقال قدرت را با یک سنت قبیله یی پیوند زده است.

بر پایه ی این وصیتنامه، انتقال قدرت به پسر بزرگتر تا زمانی که فرزندان عبدالعزيز زنده باشند بهترین ابزاری است که تاکنون روند انتقال قدرت در خاندان سعودی را با کمترین چالش هدایت کرده است. از این رو است که اقدام پادشاه برای برکناری مقرن خلاف رویه ها و سنت های پادشاهی به شمار می رود.

بن نایف در حالی به جانشینی پادشاه منصوب شده که هنوز برخی از پسران عبدالعزيز زنده اند و تاکنون برکناری ولیعهد در خاندان سعودی پیشینه نداشته است. از سوی دیگر، انتخاب افراد جوان برای پست های بالای حکومتی در حالی که ریش سفیدها زنده هستند خود نوعی سنت شکنی خاندانی در عربستان به شمار می آید که می تواند نزاع های درون خاندانی را افزایش دهد.

همچنان که بیشتر اشاره شد، انتصاب های ملک سلمان یک بدعت در خاندان سعودی به شمار می آید چرا که پادشاه، ولیعهد، و نایب ولیعهد هر سه از جناح سدیری هستند و تنها شخص مهم غیرسدیری در ساختار حکومت «متعب بن عبدالله» است که ریاست گارد سلطنتی را همچنان در دست دارد.

با توجه به این واقعیت ها می توان انتظار داشت این چنین زیر پا گذاشتن عرف ها و سنت های قبیله ای و پادشاهی منجر به چندقطبی شدن خاندان سعودی شود و در آینده به یک جنگ قدرت بین نوادگان عبدالعزیز بینجامد. چنین جنگ قدرتی می توان پیامدهای سیاسی-اجتماعی بسیاری برای خاندان همیشه محافظه کار سعودی به دنبال داشته باشد.

****پیامدهای منطقه ای**

خاورمیانه یکی از بحرانی ترین دوران تاریخی خود را پشت سر می گذارد و بر کسی پوشیده نیست که یکی از عوامل اصلی آشوب های کنونی در منطقه، سیاست های عربستان سعودی است.

در این میان نکته ای که بیشتر تحلیلگران سیاسی بر آن تاکید دارند این است که سیاست های ملک عبدالله در زمان پادشاهی معطوف به جلوگیری از گسترش تنش ها به سمت درگیری مستقیم عربستان با رقبای راهبردی به ویژه با ایران بوده است.

هر چند ملک عبدالله اقدام های بسیاری را در سوریه، عراق، بحرین و لبنان برای جلوگیری از گسترش نفوذ منطقه ای ایران انجام داد و بر التهاب و بی ثباتی خاورمیانه دامن زد اما به گفته تحلیلگران، پادشاه پیشین همواره این نکته را در نظر داشت که اجازه ندهد بحران به گونه ای گسترش یابد که کشورش وارد درگیری مستقیم با کشورهای منطقه شود.

برخلاف رویه ی پیشین، حمله ی گسترده به یمن، بزرگ ترین بدعت منطقه ای را در سیاست خارجی عربستان رقم زد و دفتر سیاست های محافظه کارانه ی ملک عبدالله را بست. آل سعود هر چند پیشینه ی لشکر کشی به بحرین را در کارنامه ی خود دارد و پیش از آن نیز در حمله به حوثی ها به «علی عبدالله صالح» رییس جمهوری پیشین یمن کمک کرده بود، اما حمله ی گسترده به همسایه ی جنوبی، تجاوزی آشکار به یک کشور مستقل و اوج بدعت یادشده به شمار می آید.

حمله به یمن نشان داد رهبران تازه کار ریاض سودای ماجراجویی های منطقه ای در سر دارند و سیاست منطقه ای عربستان را وارد فاز تشدید تنش ها خواهند ساخت. در همین زمینه، اهمیت انتصاب های اخیر ملک سلمان در این است که مخالفان حمله به یمن را به حاشیه رانده و با تقویت مواضع جنگ طلبان نشان داده خواهان تشدید درگیری ها در یمن است. اگر این نکته را در نظر داشته باشیم که ریشه ی مادری مقرن یمنی است، برکناری وی به خوبی نشان داد ملک سلمان به دنبال ساکت کردن هرگونه مخالفت با حمله به یمن است.

ادامه ی تهاجم عربستان به یمن افزون بر اینکه به بی ثباتی هر چه بیشتر منطقه می انجامد، تشدید رقابت های خصومت آمیز این کشور با دیگر کشورهای منطقه از جمله ایران را به دنبال خواهد داشت.

مساله ی تشدید رقابت با ایران زمانی بیشتر جلب توجه می کند که بدانیم وزیر امور خارجه ی تازه ی عربستان شخصی است که ریاض چهار سال پیش ایران را متهم به تلاش برای ترور وی در آمریکا کرده بودند. این مساله همراه با نگاه ضد ایرانی وی می تواند در فضای منطقه، به تشدید تنش های عربستان با ایران بینجامد.

به توجه به آنچه گفته شد، به دنبال تحولات اخیر جناح جنگ طلب در عربستان تقویت شده و باید منتظر ماجراجویی های بیشتر این کشور در خاورمیانه باشیم؛ موضوعی که بیش از پیش ثبات منطقه را تهدید می کند.

***از: مهدی جوکار (گروه پژوهش و تحلیل خبری)**